

### بررسی دلایل تشدید شکاف‌های اجتماعی در ایالات متحده در گفت‌وگوی «وطن امروز» با استاد دانشگاه کرنل آمریکا

# توده علیه کاپیتالیسم

**رامین پرچمدار:** «تعطیلی دولت همچنان به عنوان یک گزینه مطرح است و اگر آنها [دموکرات‌ها] کوتاه نیایند احتمال اعلام وضعیت اضطراری وجود دارد». این عبارت بخشی از سخنان دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده است که اندکی پس از بازگشایی دوباره دولت فدرال در جمع خبرنگاران اظهار کرد. در نمای کلی شاید بسیاری از تحلیلگران و مفسران داخلی و خارجی به سخنان ترامپ بخندند یا حداقل تعطیلی مجدد دولت فدرال را دور از ذهن بدانند اما مستندات سیاسی و رسانه‌ای نشان می‌دهد تعطیلی مجدد دولت فدرال از سوی وی بعید نیست؛ا سند این ادعا را باید ۲۵ روز تعلیق دولت دانست که قبل از این اقدام ترامپ هیچ‌کس فکر نمی‌کرد او رکورد بیل کلینتون در تعطیلی دولت را بشکند. این امر اگرچه باعث شد انتقادهای بسیاری از سوی دموکرات‌ها به جناح محافظه‌کار و شخص ترامپ وارد شود اما مساله اینجاست که باید زاویه تحلیل را به سمت جامعه ایالات متحده و درون خانه شهروندان این کشور تغییر دهیم. به گونه‌ای که تا امروز تمام کارمندان و حتی کارگرانی که تحت لوای سیاست سرمایه‌داری دولت ترامپ گذران عمر می‌کردند، در شوک به سر می‌برند و همچنان نگرانند که اگر دولت فدرال وارد وضعیت اضطراری شد سرزنش‌ست خود و حیات خانواده‌شان چگونه رقم خواهد خورد. برای واکاوی این موضوع و بررسی نگاه جامعه ایالات متحده به سیاست‌های ترامپ به گفت‌وگو با «متیو آنتونی ایوانگلیستا» استاد علوم سیاسی دانشگاه کرنل آمریکا پرداختیم.

■ **رئیس‌جمهوری آمریکا اخیراً اُعلام کرده احتمال تعطیلی مجدد دولت فدرال وجود دارد و حتی در فاز بعدی به برقراری وضعیت اضطراری اشاره کرده است. به موازات این وضعیت شهروندان و کارمندان ایالات متحده به‌صورت انفرادی و گروهی در فضای مجازی علیه ترامپ اقداماتی را انجام داده‌اند که نشان از گسترده شدن نارضایتی‌های اجتماعی از او دارد؛ از منظر جامعه‌شناسی سیاسی این واقعه را چگونه تحلیل می‌کنید؟**

بگذارید کمی به عقب برگردم؛ زمانی که ترامپ در انتخابات سال ۲۰۱۶ به صورت علنی بحث‌ریشه‌کن کردن فقر و بیکاری را مطرح کرد بسیاری از مردم با استناد به همین موضوع به او رای دادند اما هیچ‌گاه فکر نمی‌کردند ممکن است ترامپ با یک حرکت سیاسی، زندگی و معیشت آنها را زیر و رو کند.

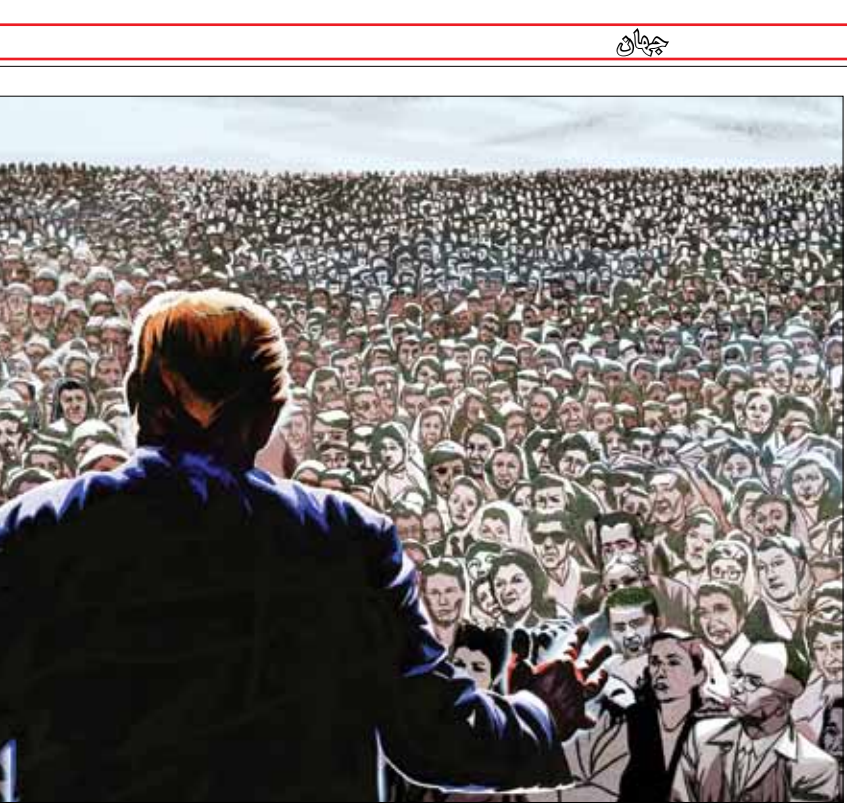
من به دلیل اینکه علاوه بر علوم سیاسی دروس دیگری مانند جامعه‌شناسی سیاسی را طی سال‌های اخیر تدریس می‌کنم با تعداد زیادی از کارمندان دولت در ارتباط هستم و آنها هم به این موضوع اذعان دارند. اصلی‌ترین نگرانی کارمندان از تعطیلی مجدد دولت فدرال آمریکا، مسائل و مشکلات مالی ناشی از این تعطیلی است. باید توجه داشته باشید که حقوق کارمندان دولت در این کشور هر دو هفته یکبار پرداخت می‌شود و از این منظر قطع شدن منبع درآمد برای کارمندان دولتی امری بسیار خطرناک به شمار می‌رود که معیشت آنها را به صورت جدی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

■ **آیا موضوع یا مساله خاصی مد نظر تان است؟**

بله؛ شاید بسیاری از مخاطبان شما در ایران ندانند که حدود ۴۰ درصد از مردم آمریکا پس‌انداز لازم برای بستری شدن کوتاهمدت در بخش اورژانس و نظارت پزشکی را ندارند و این موضوعی است که در قرن بیست و یکم جامعه ایالات متحده را تهدید می‌کند. این افراد همچنین پول کافی برای برخی مخارج اضافی و ضروری خود مانند تعمیر خودرو، بازسازی منزل و… را که شاید بیش از ۴۰۰ دلار هم نمی‌شود نازند. نمونه دیگری که می‌توانم در این مورد به آن اشاره کنم، بحث اقساط است. سر تا پای شهروندان و حتی زندگی آمریکایی‌ها را قسط و بدهی گرفته است. آنها از خانه گرفته تا وسایل داخل منزل‌شان را با اقساط به دست آورده‌اند و از این منظر اگر حقوق آنها عقب بیفتد ممکن است خانه‌شان توسط بانک به حراج گذاشته شود، بنابراین کارمندان ادارات

پویان سریت:۴۰ سالگی انقلاب اسلامی در ایران نه‌تنها پیام‌آور اقتدار و عزت در ایران اسلامی است، بلکه جشن امسال باعث شده مقامات غربی مواضع عجیب و مختلفی را در قبال نظام حاکم بر ایران و مردم این کشور اتخاذ کنند؛ اظهارنظرهایی که هدف از طرح آن تنها جشن ۴۰ سالگی انقلاب نبود، بلکه خبر از برگراری نشست‌ها و سمینارهای مختلفی با موضوع کنترل و شکست انقلاب اسلامی در قاره سبز می‌داد. در همین راستا جان بولتون، مشاور امنیت ملی ترامپ اخیراً طی سخنانی که در جمع خبرنگاران مطرح کرد با اشاره به تقابل ۴۰ ساله میان غرب و انقلاب اسلامی، بار دیگر از نقض حقوق‌بشر در ایران گفت؛ موضوعی که بیانگر انفعال و شکست استراتژی غرب در برابر ایدئولوژی اسلام انقلابی بنیانگذار انقلاب اسلامی است. آمریکایی‌ها با اتخاذ چنین بهانه‌هایی همواره به دنبال معرفی چهره‌های جعلی از انقلاب ایران و پوشش شکست‌های خود بوده‌اند که با وجود پروپاگاندای مهندسی شده در رسانه‌های خود هرگز موفق نشده‌اند انقلاب اسلامی را ناقض حقوق بشر و طرف شکست‌خورده این جنگ تمام‌عیار معرفی کنند.

در همین راستا و در ۴۰ سالگی انقلاب شکوهمند اسلامی بر آن شدمیم تاگاهی گذرا به نقض سیستماتیک حقوق اقلیت‌ها در سرزمین بانگی‌ها داشته باشیم؛ گزارشی که بیانگر چهره واقعی غرب در مواجهه با شاخص‌های حقوق‌بشری و همچنین کرامت انسانی است و در واقع به معنای بهتر محور شرارت را در جهان امروز معرفی می‌کند. در آمریکا، هنوز رنگ پوست تعیین‌کننده میزان دسترسی شهروندان به آسایش، رفاه و امنیت قلمداد می‌شود؛ چیزی که بیش از ۱۴۰۰ سال پیش در اسلام نفی شد و امروز در جوامع اسلامی در کمترین سطح خود قرار دارد. در آمریکا حقوق شهروندی و آزادی‌های فردی که در قانون اساسی آمریکا به صراحت بر رعایت آن تأکید شده است، به طور مکرر در این کشور نقض می‌شود. شایان ذکر است علاوه بر تبعیضات آشکار اجتماعی و فرهنگی در



خیلی مهم نیز وجود دارد و آن طبقه مرفه و میلیونر آمریکایی است که پس از اعمال سیاست‌های کاهش مالیات بر اموال و دارایی‌های ثروتمندان توسط ترامپ، بیش از پیش به دور وی حلقه زدند. نکته قابل توجه درباره حامیان ترامپ این است که حمایت از وی در میان بانوان آمریکایی پشدت کاهش یافته که این مساله به خودی خود بسیار شگفت‌انگیز است.

■ **یعنی شما معتقدید ترامپ خاستگاه اجتماعی خود را از دست داده است؟**

بله؛ دقیقاً اینطور است. محبوبیت دونالد ترامپ به شکل فزاینده‌ای در میان مردم آمریکا کاهش یافته و از زمان آغاز ریاست‌جمهوری وی تاکنون این محبوبیت فقط سیر نزولی به خود دیده است. این آمار فقط درباره قشر سرمایه‌دار تفاوت دارد و آن هم به دلیل نزدیک بودن نگاه و نظر ترامپ به آنها و حاشیه امنی است که او برای این طیف درست کرده است. همان‌طور که می‌دانید دونالد ترامپ با میزان رای کمتری نسبت به رقیب دموکرات خود یعنی «هیلاری کلینتون» و فقط به لطف سیستم رای‌دهی الکترال موفق به پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری شد و این نشان از ضعیف بودن خاستگاهش دارد. از سوی دیگر محبوبیتی که دونالد ترامپ داشته همیشه مختص به یک اقلیت و گروه خاص که طرز تفکری همچون خود او دارند بوده است. در حال حاضر باید بگویم بر اساس آخرین نظرسنجی‌ها که پس از تعطیلی دولت فدرال و افزایش نارضایتی‌های عمومی از ترامپ و دولت او منتشر شده، تنها حدود ۳۷ درصد از رای‌دهندگان کماکان از سیاست‌های رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا حمایت می‌کنند. از این منظر بدون تردید اگر تعطیلی دولت فدرال ایالات متحده یکبار دیگر اتفاق بیفتد، بدون تردید شاهد خیزش‌های داخلی همانند جنبش وال‌استریت خواهیم بود.

■ **محبوبیت ترامپ در میان هوادارانش را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

همان‌گونه که اشاره کردم در وضعیت کنونی شاهد کاهش سطح محبوبیت او هستیم که دلایل زیادی دارد. به عنوان مثال بسیاری از مردم تیتز روزنامه‌ها و اخبار محلی و حتی اخبار ملی را که درباره ترامپ منتشر می‌شود به دقت در ذهن خود ثبت و ضبط می‌کنند. باید به این نکته مهم اشاره کنم که اساساً جامعه ایالات متحده سواد سیاسی پایینی دارد و بخش زیادی از شهروندان این کشور به هیچ‌وجه دیدگاه و تحلیل سیاسی ندارند؛ به همین دلیل اگر یک رسانه یا روزنامه آمریکایی تیتز مطلب خود را علیه ترامپ تنظیم کند بدون تردید این تیتز در ذهن طرفداران و حتی مخالفان وی ثبت و ضبط می‌شود. طبیعی است که شهروندان آمریکایی در

**نگاهی گذرا به نقض سیستماتیک حقوق اقلیت‌ها در آمریکا**

## واشنگتن؛ از محور شرارت تا بایکوت حقیقت



دونالد ترامپ خیبر دادند که پس از کشتار اورلاندو، درگیری با مسلمانان و توهین به آنها نیز گزارش شده است. این‌شورا همچنین نگرانی شدید خود را نسبت به جهت‌گیری کشور آمریکا ابراز کرد و از آمریکایی‌ها خواست هرگونه تنفر و تندروری را رد کنند. (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۵)

شکاف طبقاتی ناشی از تبعیض نژادی، بی‌عدالتی و نابرابری به شکل گسترده‌تری در آخرین انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا که اواخر ۲۰۱۶ برگزار شد، مورد توجه قرار گرفت. اعتراض به نتایج انتخابات، هشدارهای ترامپ درباره احتمال تقلب در انتخابات و همچنین سخنرانی‌های تبعیض‌نژادی او علیه اقلیت‌های این کشور شرایط زندگی را برای شهروندان آمریکایی سخت‌تر کرد. بر اساس یک نظرسنجی، پس از پیروزی دونالد



امر باعث سرخوردگی وافزایش سطح تحقیر در میان نیروهای کار جوان و تازه فارغ‌التحصیل شده (چه از دبیرستان‌ها و چه از دانشگاه‌ها) می‌شود. از سوی دیگر عدم دستیابی به شغل مناسب باعث افزایش حس ناخوشایندی می‌شود که آنها را به سوی سرخوردگی اجتماعی و در نهایت ورود به باندهای خلافکار می‌کشاند. نداشتن شغل مناسب باعث کاهش ازدواج و تشکیل خانواده می‌شود که تبعات جبران‌ناپذیری را به دنبال خواهد داشت.

در چنین شرایطی شاهد حضور گسترده‌تر بانوان در مشاغل مختلف بویژه در بخش آموزش‌وپرورش هستیم، چرا که در آمریکا زنان به عنوان نیروهای کار ارزان‌تر نسبت به مردان شناخته می‌شوند و این تصور وجود دارد که کیفیت کاری بانوان از آقایان بهتر است. بسیار واضح است که این امر باعث بروز اختلافات گسترده و پرخاشگری میان مردان و زنان در سطح جامعه می‌شود و در پی آن خشونت علیه زنان افزایش پیدا می‌کند. گسترش این وضعیت نه‌تنها باعث افزایش خشونت علیه زنان، بلکه افزایش خشونت علیه مهاجران، رنگین‌پوستان و اقلیت‌ها خواهد شد. در جامعه آمریکا همیشه مردان سفیدپوست جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند و بسیاری از آنها معتقدند افراد شایسته جامعه آمریکا هستند. همین حس نفرت به رنگین‌پوستان نیز باعث تأثیر گذاشتن در انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر شد و یک نامزد سنتی محافظه‌کار همچون ترامپ توانست با شعارهایی که رنگ و بوی نژادپرستی داشت به پیروزی برسد. این همان سیاستی است که در سال ۲۰۲۰ در دستور کار او قرار خواهد گرفت.

■ **به عنوان سوال آخر، آیا پیروزی ترامپ در سال ۲۰۲۰ جامعه آمریکا را بیش از این دوقطبی یا چندقطبی می‌کند؟**

برخوردارند. از همین رو در گزارش ویژه شورای حقوق‌بشر سازمان ملل متحد، از آمریکا به سبب ناکامی در تضمین حق رأی برای اتباع آمریکایی– آفریقایی و اسپانیایی‌های ساکن این کشور بشدت انتقاد شده است. همچنین در سال ۲۰۱۲ گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در امور نژادی گزارش داد بومیان آمریکایی با تبعیض‌های نژادی از جمله عدم دسترسی به منابع قضایی مواجه هستند. «چارلز ام.بلو» مقاله‌نویس نیویورک‌تایمز چهاردهم ژانویه سال ۲۰۱۳ در مقاله‌ای نوشت: «ایده حرکت به سمت برابری نژادی که باید به صورت پیوسته و دائم پیش رود، رو به زوال و موقعیت سیاه‌پوستان بشدت در حال تنزل است». همچنین آناستازیا کریکلی، رئیس کمیته رفع تبعیض نژادی سازمان ملل متحد گفت: «ما نسبت به رفتارهای نژادپرستانه، شعارها، سرودها و سلام‌های نژادپرستانه سفیدپوستان ملی‌گرا، نوازی‌ها و کوکاکس‌کلان‌ها، همچنین ترویج برتری نژاد سفید و تحریک تبعیض نژادی و نفرت‌پرکنی هشدار می‌دهیم». خاتم کریکلی همچنین از مقامات ایالات متحده آمریکا خواسته است علل واقعی ایجاد چنین رفتارهای نژادپرستانه‌ای را ریشه‌کن کنند. (یورونیوز) شایان ذکر است پدیده اسلام‌هراسی نیز حاکی از نوعی تصور بدبینانه و نفرت از اسلام و مسلمانان است که به بروز رفتارهای تبعیض‌آمیز و آزاردهنده علیه آنها منجر می‌شود. اگرچه این پدیده در گذشته‌های دور ریشه دارد اما با گذشت زمان و بویژه طی سده‌های اخیر با مسائل و موضوعات تازه‌ای همراه شده است. متأسفانه طی سال‌های پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مصادیق اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در جهان غرب افزایش محسوسی داشته است و بسیاری از فعالان سیاسی و رسانه‌های غربی از حملات ۱۱ سپتامبر به مثابه ابزاری برای ترویج اسلام‌هراسی استفاده کردند.